

وقف در زمان عادلشاهیان

♦ دکتر عبدالغنی عمارت والا

ترجمه: خان محمد صادق جونپوری*

سلسله عادلشاهی بیجاپور در همه زمین‌های زندگی گوی سبقت را از دیگر حکومت‌هایی که بعد از فروپاشی سلسله بهمنی در دکن تشکیل شد، ربوده بود. پادشاهان این سلسله بخش بزرگی از دکن را تحت تصرف خود داشتند. در تاریخ میانه هند، حکومت بیجاپور از لحاظ اهمیت بعد از سلسله گورکانی دهلی قرار دارد. این سلطنت بعد از پیروزی دولت‌های مسلمان بر دولت ویجی‌نگر در جنگتالی‌کوت (۱۵۶۵ م.) شروع به قدرت گرفتن کرد.

یوسف عادلشاه، بنیانگذار این سلسله، بعد از جلب حمایت اشراف ایرانی و تحت تاثیر پادشاه معاصر خود در ایران یعنی شاه اسماعیل صفوی، مذهب تشیع را در قلمروی خود رسمیت داد و در نتیجه به نام دوازده امام خطبه خوانده شد و به سبک شیعه اذان گفته شد.^۱ در آن زمان مهاجرت ایرانیان به دکن مانند سابق ادامه پیدا کرد و اقامت آنها در دکن باعث نفوذ نظریات مذهبی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنها در این سرزمین شد.

سلاطین عادلشاهی علاوه بر خدمات سیاسی و فرهنگی، در زمینه مذهبی، امور خیریه و فعالیت‌های عام‌المنفعه نیز سهم به‌سزایی داشته‌اند و در توسعه تمدن اسلامی

♦ استاد و رئیس گروه تاریخ و باستان‌شناسی، دانشکده انجمن اسلام، بیجاپور، کرناتک، هند.
* دانشجوی دکتری، دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، (چاپ سنگی)، بخش دوم، لکهنو، ۱۸۵۵، برگ ۱۱.

در قالب مؤسسات آموزش عالی و خدمات اجتماعی در شکل‌های مختلف آن مانند مساجد، عیدگاه، درگاه (مقبره صوفیا)، مکتب، مدرسه دینی، خانقاه، برا امام، عاشورخانه، جماعت‌خانه، لنگرخانه، کتابخانه، شفاخانه (بیمارستان)، حوض آب، چاه آب، عنبرخانه (باغ)، کاروان‌سرا و... نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

سلاطین، همسران آنها و اشراف جامعه، اماکن مذهبی و خیریه بنا می‌کردند و آنها را در راه خدا وقف می‌کردند. آنها برای اداره این اماکن، مالیات حاصل از روستاها، زمین‌های متصل به این اماکن، مغازه‌ها و منابع درآمد دیگر را در نظر می‌گرفتند. آنها همچنین برای مراسم عید میلادالنبی، محرم و عاشورا مقدار زیادی خرج می‌کردند.^۱ آنها زمین‌های حاصل‌خیز و کمک‌های نقدی دیگری را به نام مدد معاش برای صوفیان در نظر می‌گرفتند و در مقابل این کمک‌ها از آنها انتظار می‌رفت که به فعالیت‌های مذهبی بپردازند، تعالیم اسلامی را عام کنند و برای سلامتی سلاطین و مردم دعا کنند.

مورخان بسیاری در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی تاریخ بیجاپور به مطالعه پرداخته‌اند ولی درباره فعالیت‌های مذهبی و امور خیریه این سلاطین سخنی به میان نیاورده‌اند. شواهد تاریخی و ادبی موجود درباره وقف و فعالیت‌های مشابه آن در بیجاپور، بیانگر این امر است که سلاطین عادل شاهی به خوبی از اهمیت امور خیریه در ارتقای سطح زندگی رعایای خود واقف بوده‌اند. در این مقاله ما به مسئله اماکن موقوفه و فعالیت‌های عام‌المنفعه در بیجاپور در عهد عادل‌شاهیان خواهیم پرداخت.

مساجد

مسجد محل عبادت مسلمانان است و با توجه به اهمیت مسجد در قرآن و حدیث، افراد خیر توجه خاصی به بنای آن داشتند. در زمان ابراهیم عادل‌شاه ثانی (۱۵۸۰-۱۶۲۷) در شهر بیجاپور و حومه آن حدود ۱۶۰۰ مسجد وجود داشت. افراد خیر مسئولیت بنای مسجد را تماماً خود به عهده می‌گرفتند و یا زمینی برای آن وقف می‌کردند. محمد قاسم فرشته نقل می‌کند که یوسف عادل شاه (۱۴۸۹-۱۵۱۰) مبلغ قابل توجه‌ای

۱. میرزا ابراهیم زبیری، روضة‌الاولیای بیجاپور، نسخه خطی شماره ۱۴۸۱۳، کتابخانه و مرکز تحقیقات شرقی حیدرآباد، برگ ۵، میرزا ابراهیم زبیری، بساتین‌السلاطین، چاپ سنگی، حیدرآباد، ۱۸۹۰، برگ ۳۵۳.

به خواجه عبدالله هروی، از اهالی خراسان، داد تا در شهر ساوه مسجدی بنا کند. از یک کتیبه که در درگاه سیگان واقع در ایالت مهاراشترا پیدا شده معلوم می‌شود که در زمان ابراهیم عادلشاه ثانی مسجدی توسط شیخ علاؤالدین فرزند شمس خیاط در روستای موزه بنا شده بود و زمینی هم برای آن در یازدهم ذی‌الحجه سال ۱۰۰۲ هـ (هیجدهم آگوست ۱۵۹۴) وقف شده بود.^۱

مساجد معمولاً مجهز به لامپ، فرش و آب برای نوشیدن و استحمام بودند. آب یا از طریق لوله‌های سفالین متصل به مخزن آب مسجد ذخیره می‌شد و یا از طریق چشمه تامین می‌شد. در شهرهای بزرگ و مراکز تجاری مساجد دارای کاروان‌سرا نیز بودند و مسافران می‌توانستند در آنها توقف کنند. افراد خیر فعالیت‌های خود را به ساخت مساجد محدود نکردند بلکه برای حفظ و نگهداری آن نیز راه حلی اندیشیدند. طبق یک کتیبه مورخ ۹۴۳ هـ / ۱۵۹۶ م. در سر درخابه‌های مسجد خواجه سمبول واقع در بیجاپور، معلوم می‌شود که غازی ملک امین‌الملک یک خانه و سی و شش مغازه متصل به بخش غربی دروازه آتن هالی^۲ قلعه بیجاپور را برای مسجد روبروی خانه‌اش وقف کرد تا از طریق آن هزینه‌های تعمیر مسجد و مخزن آب فراهم شود.^۳ خواجه جنت خان، نایب غیبت‌السلطنه، نیز برای همان مسجد پنج مغازه برای تامین هزینه‌های روشنایی، آب، فرش، حقوق مؤذن (یک تنکه) و پیش نماز و فراش وقف کرد. این کتیبه روز پنج شنبه مورخ ۲۱ ربیع‌الاول سال ۹۶۷ هجری (۲۱ دسامبر سال ۱۵۵۹ م.) نوشته شده است.

کتیبه دیگری مورخ ۹۹۳ هـ / ۱۵۸۵ م. که در بخش جنوب شرقی قلعه اثر مبارک محل قرار دارد، نشان می‌دهد که بلد خان پنج مغازه برای حفظ و نگهداری مسجد خود به ارث گذاشت.^۴

۱. فرشته، ۲، برگ ۶، EI ۱۹۳۷-۱۹۵۰، کتیبه شماره ۳، شماره XIV، صفحه ۳۵.
۲. آتن هالی روستایی در پنج مایلی جنوب بیجاپور است. اورنگ زیب (پادشاه گورکانی) بعد از فتح بیجاپور، این دروازه را دروازه فتح نامید. این دروازه به نام دروازه منگولی نیز مشهور بود.
۳. دکتر ناظم، کتیبه‌های بیجاپور (انگلیسی)، شماره ۳۲۵۱، برگ اول، ص ۲۶.
۴. همان؛ شماره ۳۳۱۰، ای ۱۲، ص ۷۱.

افراد خیر علاوه بر مغازه، باغ‌هایی را نیز وقف می‌کردند. طبق یک کتیبه مورخ رجب سال ۹۴۱ هـ/۱۵۵۵ م. دو باغ برای مخارج مسجدی وقف شده بود.^۱ در برخی موارد افسران هندو یا اشخاص مشهور دیگر کار حفظ و نگهداری از مسجد را انجام می‌دادند. از یک فرمان شاهی محمد عادل شاه مورخ ۱۰۶۶ هـ/۱۶۵۵ م. معلوم می‌شود که مقداری از زمین‌های روستای ماناکالی به یک افسر هندو داده شد تا در عوض وی مسئولیت روشنایی، فرش و آب، حقوق پیش نماز و غیره مسجد نزدیک خانه شریف سید سیف الله قاضی القضاات را به عهده بگیرد. از یک کتیبه دیگر معلوم می‌شود که شخصی به نام شاه مردان فرزند سید سیف الله الحسینی یک مسجد و باغ در زمینی که برای دوازده امام وقف شده بود، بنا کرد. این مسجد دو چاه آب (یکی داخل مسجد و دیگری بیرون آن) و یک باغ داشت.^۲

نمازگاه یا عیدگاه

نمازگاه یا عیدگاه مکان مذهبی برای اقامه نماز عیدالفطر و عیدالضحی است. این مکان شامل یک فضای باز است که در غرب آن دیواری قرار دارد. عیدگاه نیز مانند مسجد دارای منبر است که در کنار محراب در مرکز دیوار قرار دارد. عیدگاه معمولاً در خارج شهر یا روستا واقع است.

خواجه نجار غفلت از اشراف بیجاپور در سال ۹۴۵ هـ/۱۵۳۸ م. (در زمان ابراهیم عادل شاه اول ۱۵۳۵-۱۵۵۸ م.) عیدگاه شاهی را در بیجاپور بنا کرد. در شهر میراج^۳ کتیبه‌ای در یک نمازگاه یافت شده است که نشان می‌دهد سید احمد فرزند سید علاؤالدین (حاکم بیجاپور) ساخت آن را در زمان علی عادل شاه اول (۱۵۵۸-۸۰ م.) آغاز کرد ولی به دلیل مرگ وی این بنا ناتمام ماند. ابراهیم عادل شاه ثانی بنا به درخواست دلور خان (نخست وزیر) در سال ۹۹۷ م. به سید محمود (برادر متوفی) دستور داد تا این بنا را به تکمیل برساند.^۴

۱. این کتیبه در موزه باستان‌شناسی بیجاپور قرار دارد و در مورد نام مسجد و واقف اطلاعی نمی‌دهد.

۲. E & I کتیبه شماره ۱۶ (Plate XII-B) ص ۸۳-۸۴.

۳. شهر میراج در حال حاضر در شهرستان سانگلی در ایالت مهاراشترا قرار دارد.

۴. کتیبه‌های عادلشاهی در دکن، ژورنال دانشگاه ممبئی، جلد VIII، شماره اول، جولایی ۱۹۳۹، ص ۴-۶.

عاشورخانه و جماعت‌خانه

بیشتر سلاطین عادلشاهی پیرو مذهب شیعه بودند و به همین سبب ما در قلمروی بیجاپور به بناهایی مانند مقبره برای امام، عاشورخانه و جماعت‌خانه برمی‌خوریم. در این اماکن مراسم عزاداری ماه محرم برگزار می‌شد و تعزیه، علم (پرچم)، شبیه مقبره و دیگر نشانه‌ها در آن به چشم می‌خورد. به طور نمونه می‌توان از عمارت شبیه ضریح امام در شهر میراج نام برد. از کتیبه‌های آن دوران چنین ظاهر می‌شود که در زمان محمد عادل شاه، یکی از حاکمان وی به نام سعادت شاه فرزند حسن شاه این عمارت را بنا کرد و برای حفاظت و نگهداری آن متولی و خادم استخدام شدند.^۱

در بیجاپور و اطراف آن امروز نیز چندین عاشورخانه وجود دارد. در آن زمان در عاشورخانه‌ها مجالس عزاداری برگزار می‌شد که شامل مرثیه‌خوانی، نوحه و سوزخوانی و قرائت جنگ‌نامه بود.^۲

از کتیبه دیگر یافت شده در همین شهر چنین برمی‌آید که در زمان علی عادل شاه اول و تحت حکومت خواجه بابا خورشید خان عاشورخانه‌ای بنا شد.^۳

درگاه و خانقاه

حاکمان و نخبگان بیجاپور بدون در نظر گرفتن مذهب و عقیده، از نهضت‌های تصوف حمایت کردند و در نتیجه مذهب و تمدن اسلامی، دیگران را به خود جلب کرد. تذکره‌های صوفیان و تواریخ آن دوره نشان می‌دهد که طبقه حاکم توجه صوفیان و اخلاف آنها را به خود جلب کردند. آنها خانقاها و مقبره‌های صوفیان را بنا کردند. وجود تعداد زیادی مزار در گوشه و کنار قلمرو نشان می‌دهد که روابط بسیار صمیمی بین صوفیان و طبقه حاکم وجود داشت.

یوسف عادل شاه عمارتی بر قبر سید محمد سراج جنیدی در گلبرگه بنا کرد که شامل یک دروازه بزرگ و مناره بود.^۴ محمد قاسم فرشته می‌نویسد که اسماعیل عادلشاه

۱. کتیبه‌های عادلشاهی در دکن، ژورنال دانشگاه ممبئی، جلد VIII، کتیبه شماره ۱ و ۲، ص ۸-۱۲.

۲. دکتر رشید ماسوی، عزاداری و مرثیه در دکن (زبان اردو)، دهلی، ۱۹۸۹، ص ۵۲، ۵۴، ۶۱-۶۸.

۳. ژورنال دانشگاه ممبئی، کتیبه شماره ۳، ص ۱۳.

۴. واقعات مملکت بیجاپور، بشیرالدین احمد دهلوی، چاپ سنگی (اردو)، جلد دوم، ص ۵۳۳.

دستور داد تا مسجد و گنبدی بر قبر خادم وفادار وی یوسف ترک بنا کنند و زمینهایی نیز برای حفاظت و نگهداری از آن در نظر گرفته شد.^۱ مقبره شیخ شمس‌الدین شامنا میران نیز تحت نظارت اسد خان لاری در میراج بنا شد.^۲

در کنار مقبره‌ها معمولاً خانقاه، کاروان‌سرا، چاه آب و امکانات اولیه دیگر موجود بود. عادل شاه ثانی کاروانی را برای زیارت قبر محمد حسین گیسو دراز در تاریخ سوم محرم سال ۹۸۹ هـ (هفتم فوریه ۱۵۸۱ م.) به گلبرگه فرستاد که مخدومه جهان چاند بی بی، مادر سلطان ابراهیم عادلشاه ثانی نیز در آن بود. وی دستور داد تا یک چاه آب و باغی برای مقبره احداث کنند.^۳

به همین صورت در سال ۱۰۵۸ هـ (۱۶۴۸ م.) محمد عادل شاه هدایای قصر سلطنتی را برای جانشینان صوفی مذکور ارسال کرد.^۴ افضل خان، از اشراف دوره محمد عادلشاه، نیز کاروان‌سرای در بخش جنوبی مقبره این صوفی بنا کرد.^۵

حاکمان بیجاپور برای نگهداری این مقبره‌ها و خانقاه‌ها نیز زمین‌هایی را وقف کردند. محمد عادل شاه در سال ۱۰۵۶ هـ/۱۶۴۶ م. فرمانی برای خانواده پیر علاؤالدین، از اخلاف شیخ نصیرالدین چراغ دهلی نوشت. طی این فرمان مالیات روستای هریال و منگوپال در گنجوتی شهر بیدر برای آنها در نظر گرفته شد.^۶ در آن زمان این مقبره‌ها مرکز بزرگی برای تجمع شاگردان صوفیان، اخلاف آنها و مردم عادی و محلی برای برآورده شدن حوایج دینی و دنیوی بود. آنها بعد از تحمل زحمت و سختی‌های سفر دور و دراز، به این اماکن می‌رسیدند و به مراد خود دست می‌یافتند. این خانقاه‌ها در زمان حیات صوفی متصل به خانه آنها بود و بعد از مرگ وی متصل به مقبره وی بود

۱. فرشته، جلد دوم، برگ ۱۷.

۲. بساتین، برگ ۲۲-۲۴ و واقعات، جلد اول، ص ۴۰.

۳ (A & P E & I) ۱۹۰۷-۱۹۱۲، ص ۵، ملکه چاند بی بی سلطانه بیوه سلطان علی عادل شاه اول است. طبق وصیت وی که فرزندی نداشت، ابراهیم عادلشاه ثانی فرزند برادر وی شاه طهماسب، به سلطنت رسید. چاند بی بی در زمان کودکی شاه جدید، به عنوان نایب‌السلطنه حکومت کرد.

۴. همان، ص ۷.

۵. واقعات، جلد دوم، ص ۵۳۳.

۶. فرامین، برگ ۲۰۷-۰۸.

که توسط جانشینان معنوی او اداره می‌شد. در این اماکن به شاگردان آموزش دینی داده می‌شد و این مراکز در گسترش تعالیم اسلامی در جامعه نقش مهمی داشته‌اند.

لنگرخانه و مؤسسات خیریه

لنگرخانه مکانی است که در آنجا غذا، لباس و صدقات بین مردم نیازمند تقسیم می‌شود. در زمان عادلشاهیان این گونه اماکن با کمک‌های دولتی یا مردمی در حال فعالیت بودند. معمولاً لنگرخانه‌ها در کنار مقبره‌ها قرار داشتند. محمد عادلشاه طی دو فرمان مورخ ۱۰۵۶ هـ/ ۱۶۴۶ و ۱۰۶۶ هـ/ ۱۶۵۶ م. برای مخارج روزمره لنگرخانه مقبره پیر علاؤالدین در برهان‌پور درآمدی را اختصاص داد.^۱

طبق دستور اعمال (قانون اساسی) دادگاه بیجاپور، حکام بیجاپور موظف بودند از مؤسسات خیریه حمایت کنند.^۲ یوسف عادل شاه توسط خواجه عبدالله هروی مبلغ زیادی را به بین مردم ساوه تقسیم کرد. روز عید میلادالنبی و عاشورای محرم، سلاطین بین ۷۸۰۰۰ تا ۵۵۰۰۰ هون (سکه طلا، یک هون برابر با چهل روپیه) خیرات می‌کردند.^۳

از فرامین آن دوره چنین برمی‌آید که سلاطین عادلشاهی برای مخارج این لنگرخانه‌ها درآمدی را اختصاص می‌دادند و زمین‌هایی را برای آن وقف می‌کردند. این مراکز کمک بزرگی برای نیازمندان بود و مردم بدون هیچ تعصب مذهبی و نژادی از خدمات آن بهره‌مند می‌شدند.^۴

مکتب و مدرسه

معمولاً مکتب (مدارس ابتدایی) در کنار مساجد قرار داشت و در آنجا دانش‌آموزان آموزش‌های اولیه دینی را به زبان عربی و فارسی فرا می‌گرفتند. بسیاری از مدارس

۱. فرامین، برگ ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۱۳.

۲. بساطین، برگ ۳۵۲.

۳. روضات، نسخه خطی، برگ ۵، بساطین، برگ ۳۵۳ و ۳۵۸.

۴. علاوه بر این سلاطین عادلشاهی به شخصیت‌های مقدس و سادات نیز کمک می‌کردند. در سال ۱۴۹۲-۱۴۹۳ عادلشاه مبلغ ۶۰۰۰۰ روپیه بین سادات و افراد مقدس مدینه، کربلا و نجف تقسیم کرد. سلاطین دیگر نیز همواره با این افراد در ارتباط بودند.

به طور مستقل فعالیت می‌کردند و برخی از آنها تحت نظارت خاتقاها بودند. در مسجد جامع بزرگ بیجاپور یک مدرسه حدیث فعالیت می‌کرد. در آثار مبارک محل دو مدرسه یکی برای حدیث و دیگری برای فقه و ایمان فعال بود. در این مدارس به هر یک از دانش آموزان، آموزش رایگان، غذای لذیذ و شهریه‌ای به مبلغ یک هون داده می‌شد و کتاب‌های درسی را دولت به طور رایگان فراهم می‌کرد. دانش آموزانی که در امتحانات سالانه نمرات بیشتری کسب می‌کردند، جایزه نقدی دریافت می‌کردند و بعدها به شغل‌های مهمی منصوب می‌شدند.^۱ معلمان بزرگی چون شیخ علیم الله محدث و میران محمد مدرس در همین زمان زندگی می‌کردند.

مخزن و چاه آب

بیجاپور منطقه‌ای خشک است که برای قلت آب مشهور است. با این وجود سلاطین عادلشاهی برای تامین آب این منطقه طرح‌های خوبی را اجرا کردند. منبع اصلی تامین آب بیجاپور مخزن تاروی، افضل‌پور و جهان بیگم بود. آب از این مخازن از طریق لوله‌های سفالی به مناطق مسکونی در داخل و بیرون قلعه منتقل می‌شد و چاه و مخازن آب مساجد و قلعه‌ها با این آب پر می‌شد. روی برج‌ها که گنج نام دارد این عبارت کنده شده بود:

”افضل خان محمد شاهی، این خط لوله را با کاردانی و مهارت فراوان برای بندگان خدا ایجاد کرد تا لب‌های تشنه جهان کمی التیام یابد و دل‌های خود را با آب این لوله آرامش بخشند شاید زبان آنها برای دوام این دودمان به دعا برخیزد“^۲. علاوه بر این ما به بقایای مخزن آب و استخرهایی نیز پی می‌بریم که برای خدمت به خلق خدا بنا شده بودند. به طور مثال رنگریز تالاب، قاسم تالاب، فتح‌پورتالاب و... دو مخزن آبی که در بخش شرقی و غربی روستای کوماتاگی و محمدپور^۳ بنا شده بودند، هنوز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۱. بساتین، برگ ۳۵۱، ابوالحسن ندوی: مدارس قدیمی هندوستان (زبان اردو)، اعظم‌گر، ۱۹۷۱، ص ۶۶.

۲. ناظم، ص ۷۷-۷۸.

۳. روستای کوماتاگی و محمدپور به ترتیب در ۱۲ و ۱۵ مایلی شرق و جنوب بیجاپور قرار دارند.

در راستای تامین آب مورد نیاز بیجاپور، چاه‌های بسیاری در اطراف شهر حفر شدند. به نقل از کپتان سایکس که در سال ۱۸۱۹ م. از بیجاپور دیدن کرده است، حدود ۷۰۰ چاه آب پله‌دار و ۳۰۰ چاه آب بدون پله درون قلعه بیجاپور موجود بود.^۱ بیشتر این چاه‌ها از طرف خیرین وقف شده بودند. روی کتیبه یکی از این چاه‌ها چنین نوشته شده است: این چاه در راه خدا احداث شده است... فاطمه سلطان بی بی... آب این چاه وقف است.

ملک صندل (معمار مشهور) تاج‌بوری (چاه آب) را به یاد تاج سلطانه همسر ابراهیم عادل شاه ثانی بنا کرد.^۲

عنبرخانه

یکی دیگر از فعالیت‌های رفاهی سلاطین بیجاپور تاسیس عنبرخانه یا انبار غذا بود. در این مکان حبوبات و غله انبار می‌شد تا در شرایط اضطراری مانند خشک‌سالی، نیازهای اساسی مردم برآورده شود. از یک کتیبه چنین برمی‌آید که شخصی به نام عبدالمحمد در زمان ابراهیم عادل شاه ثانی در سال ۱۶۲۲-۲۳ یک انبار غذا در رایچور احداث کرد. در کتیبه دیگری که بر دیوار شمالی عنبرخانه شاهی قرار دارد آمده است که در سال ۱۰۵۹ هـ / ۱۶۴۹ م. محمد عادل شاه این ساختمان وسیع و عریض را بنا کرد که در شرق مسجد جامی بیجاپور قرار دارد.^۳

باغات

باغات بیشتر در کنار مساجد یا مقبره‌ها قرار داشت و هدف آن تامین هزینه‌های موسسات مذهبی بود. در متون قدیمی نقل شده است که درآمد و محصولات این باغات برای کمک به مردم نیازمند اختصاص داشته است. از یک کتیبه دو زبانه (فارسی

۱. کپتان سایکس دبلویو. اچ، یادداشت‌هایی در زمینه آثار باقی مانده در بیجاپور، بنیاد ادبی بمبئی، بمبئی، سپتامبر ۱۸۱۹، ص ۶۱.
 ۲. ناظم، ص ۶۵-۶۷.
 ۳. همان، ص ۷۵.

و مراتی) مورخ ۹۶۳ هـ/۱۵۵۵ م. معلوم می‌شود که ابراهیم عادل شاه اول باغی را در منطقه رای باغ به عنوان جایزه به نور خان اعطا کرد و شرط کرد که وی سبزیجات و... را به طور رایگان به مردم برساند... و از افزایش قیمت آنها پرهیز نماید^۱.

کتابخانه

سلاطین و اشراف عادلشاهی به عنوان حامیان علم و دانش از شهره خاصی برخوردارند. در زمان آنها بیجاپور به مرکز مهم فعالیت‌های آموزشی علمی تبدیل شد. در کتابخانه شاهی بیجاپور حدود شصت نفر خطاط، تذهیب‌کار، جلدساز و... تمام روز مشغول کار بودند^۲. شیش و من پندیت کتابدار و خرده کاشی شاعر کاتب بود. بیشتر کتاب‌های موجود در این کتابخانه دارای جلد چرمی با نقش و نگار طلایی و نقره‌ای بودند. از گفته ظهور بن ظهوری (شاعر دربار محمد عادل شاه و مورخ) معلوم می‌شود که حتی کتاب‌هایی که در شمال هند تالیف می‌شدند، به قیمت گزافی خریداری و به این کتابخانه منتقل می‌شد^۳. کتابخانه شاهی در ابتدا در ساختمان دولتی بود و بعدها به آثار مبارک محل منتقل شد. انگلیسی‌ها بعد از تسلط بر بیجاپور، کتاب‌های اسلامی و فلسفی خیلی مهمی را در این کتابخانه یافتند و همه آنها را به لندن منتقل کردند.

در شهر بیجاپور محققان برجسته‌ای زندگی می‌کردند که دارای کتابخانه شخصی بودند. شاه زین موقبیل در کتابخانه شخصی خود هشتصد نسخه خطی داشت که سیصد عدد آنها اثر خود وی بود^۴. علاوه بر این در خانقاه‌ها صوفیان و جانشینان آنها کتابخانه داشتند و حتی امروز نیز بعضی از اخلاف این صوفیان نسخه‌های خطی گران قیمتی را در اختیار دارند.

-
۱. ژورنال دانشگاه ممبئی، جلد اول، بخش چهارم، ژانویه ۱۹۳۳، ص ۲۸۴-۸۵.
 ۲. رفیع‌الدین شیرازی، تذکره الملوک، نسخه خطی شماره ۱۸، OMLRC، حیدرآباد، برگ ۱۶۰، بساتین، برگ ۱۴۸.
 ۳. ظهور بن ظهوری، محمد نامه، نسخه خطی شماره ۹۰۰، موزه بیجاپور، برگ ۲۶۱-۶۳.
 ۴. روضات، برگ ۹۶ و ۹۹.

دارالشفا

در قلمروی بیجاپور چندین دارالشفا وجود داشت که دارای بخش‌های مختلفی برای معالجه انواع تب، بیماری‌های گوش و چشم، بیماری‌های تنفسی و بیماری‌های دیگر بود.^۱ حکیمان حاذقی به روش‌های مختلف پزشکی به طبابت می‌پرداختند. حکیم گیلانی، فارنالوپ فرنگی، اتیبا، حکیم محمد حسین یونانی، حکیم معصوم اصفهانی، محمد قاسم فرشته، رکن مسیح، حکیم آتشی و دیگران به دلیل خدمات پزشکی خود همیشه زنده هستند. آنها مطب شخصی داشتند. سلاطین و اشراف عادلشاهی همواره از این حکیمان حمایت می‌کردند و جوایز زیادی به آنها می‌دادند.

به طور خلاصه چنین می‌توان گفت که سلاطین، زنان دربار و اشراف بیجاپور از اهمیت وقف به خوبی آگاه بوده‌اند و موقوفات دوره عادلشاهی مانند مساجد، عیدگاه، زیارتگاه، خانقاه، شبیه حرم امام حسین^(ع)، عاشورخانه، مکتب، مدرسه، کتابخانه و غیره برای مسلمانان این امکان را فراهم می‌آورد که با آرامش و طمانینه به عبادت خداوند بپردازند. موقوفات دیگر مانند جماعت‌خانه، لنگرخانه، کاروان‌سرا، مخزن و چاه آب، باغات، دارالشفا و غیره در راستای خدمت به خلق بدون در نظر گرفتن مذهب و تبار آنها نقش مهمی داشته‌اند.

منابع

۱. محمد قاسم فرشته، تاریخ فرشته، (چاپ سنگی)، بخش دوم، لکهنو، ۱۸۵۵.
۲. میرزا ابراهیم زبیری، روضة‌الاولیای بیجاپور، نسخه خطی شماره ۱۴۸۱۳، کتابخانه و مرکز تحقیقات شرقی حیدرآباد.
۳. میرزا ابراهیم زبیری، بساتین‌السلطین، چاپ سنگی، حیدرآباد، ۱۸۹۰م.
۴. کتیبه‌های عادلشاهی در دکن، ژورنال دانشگاه ممبئی، جلد VIII، شماره اول، جولایی ۱۹۳۴م.
۵. دکتر ناظم، کتیبه‌های بیجاپور (انگلیسی)، دهلی، ۱۹۳۶.

۱. دکتر زمان خدایی، عناصر ایرانی در فرهنگ، هنر و معماری بیجاپور، مقاله دکتری غیر چاپی، دانشگاه عثمانیه، حیدرآباد، ۱۹۸۹، ص ۱۳۷.

۶. بشیرالدین احمد دهلوی، واقعات مملکت بیجاپور، چاپ سنگی (اردو)، آگره، ۱۹۵۱ م.
۷. دکتر رشید ماسوی، عزاداری و مرثیه در دکن (زبان اردو)، دهلی، ۱۹۸۹.
۸. کپتان سایکس دبلیو. اچ، یادداشت‌هایی در زمینه آثار باقی مانده در بیجاپور، بنیاد ادبی بمبئی، بمبئی، سپتامبر ۱۸۱۹.
۹. رفیع‌الدین شیرازی، تذکرةالملوک، نسخه خطی شماره ۱۸، OMLRC، حیدرآباد.
۱۰. ظهور بن ظهوری، محمد نامه، نسخه خطی شماره ۹۰۰، موزه بیجاپور.
۱۱. دکتر زمان خدایی، عناصر ایرانی در فرهنگ، هنر و معماری بیجاپور (انگلیسی)، مقاله دکتری غیر چاپی، دانشگاه عثمانیه، حیدرآباد، ۱۹۸۹.